ادبیات و فولکور افغانستان

هانری ماسه

وحیدنیا

در مؤلفان نویسندگان خارجی نوشته‏هائی که شامل اطلاعاتی راجع به فولکور افغانستان باشد برحسب اتفاق یافت میشود.

آقای رنه دولو Mr.Rene Dollot یکی از افرادی است که بخشی از کتاب خود را باینموضوع اختصاص داده و در این زمینه مطالبی نوشته است.

درحال حاضر دانشمندان افغانی و در رأس آنها آقای سرور گویا و سایر اعضای‏ آکامی افغانستان بخوبی به اهمیت این سلسله مطالعات و تحقیقات پی‏برده‏اند و معتقد شده‏اند که در افغانستان هم باید مانند سایر کشورها یک اسلوب صحیح و متدیک ایجاد شود و بموازات پیشرفتهای مادی و اجتماعی به مسئله ادبیات عامه و فولکور نیز توجه‏ بیشتری مبذول گردد.

در گذشته آقای هاکن Hackin در زمینه باستان‏شناسی در افغانستان‏ تحقیقات زیادی بعمل آورده است و خانم او نیز با کمک آقای احمد علی کهزاد موفق شده است یک سری داستانها،افسانه‏ها و فولکورهای جالب جمع‏آوری کند و مجموعه‏ای پر ارزش فراهم آورد این مجموعه چند سال پیش توسط موزه گیومه Guimet پاریس و پس از مرگ هاکن چاپ شده است.

برای آشنائی به ادبیات افغان ناگزیر باید به ادبیات عامیانه و فولکور نظری انداخت.

زبان و ادبیات فارسی از قرون وسطی ببعد سهم عمده و قابل توجهی در ادبیات افغان دارند زیرا نویسندگان و شعرای زیادی متعلق باین زبانند و اشعار و نوشته‏های‏ خودشان را بفارسی سروده و نوشته‏اند و بعضی شعرای بزرگ غزلسرای افغان بفارسی شعر گفته‏اند و همچنین مورخان و محققانی در افغانستان متولد شده‏اند که تألیفات آنها بزبان‏ فارسی است و از میان آنها امیر عبد الرحمن خان امیر بزرگ افغان را میتوان نام برد که در اواخر قرن 19 بر افغانستان حکومت میکرد وی خاطرات جالب و شیرین خود را بزبان‏ فارسی نوشته و بیاد کار گذاشته است.

علاوه بر این بعضی از شعرای حماسه سرای ایران چون اسدی طوسی و حکیم‏ ابو القاسم فردوسی فتوحات نمایان گر شاسب قهرمان جدرستم و همچنین اجداد و نیاکان‏ و شاهزادگان سیستان را ستوده‏اند.

ناگفته نماناد که زبان پشتو نیز در ادبیات افغانستان بصورت اصیل ظاهر شده است البته متون و اصطلاحات آن نسبتا جدید است و بنظر میرسد قدیمترین تاریخی‏ که راجع به آن در دست است مربوط به قرن 16 و دورهء سلاطین مغول باشد.

بعضی نوشته‏های پشتو در قالب نثر مسجع شاعرانه است و نویسندگان افغانی‏ آنها را نوشته‏اند بعضی دیگر بصورت نظم است که سینه‏به‏سینه و دهان‏به‏دهان گشته‏ است و بزمان حاضر رسیده است و بعضی از این آثار توسط مستشرقین ترجمه شده است. ضمنا باید یادآورشد که نوشته‏های علمای دینی و عرفا و مورخین افغانی که بزبان پشتو نوشته شده کم‏وبیش تحت تأثیر موضوعات ادبی و سبک خاص نویسندگان فارسی قرار گرفته است.

از این شعرا خوشحال خال را میتوان نام بردوی یکی از...کردگان‏ شجاع افغانی در قرن هفدهم بود و آثار متعددی از نظم و نثر از خود بیادگار گذاشته است. اشعار او همه از روی وطن پرستی و سوز درون سروده شده و ناشی از عشق‏ به میهن بوده است.چون میخواسته است هموطنان گرفتار خود را از زیر یوغ سلاطین مغول‏ دهلی نجات بخشد در اشعار خود فقط به سی هزار تن انسان که در تحت سلطه اوست فکر میکند و اشعار خود را میسراید وی سه بار بزندان اورنگ زیب گرفتار شده و همانطور که شاعر عرب ابوفراس و شاعر ایرانی مسعود سعد سلمان عمل کرده‏اند وی نیز قریحه خود را بکار انداخته و هم میهنان خودیش را بمبارزه با مغولان تشویق مینموده و اعلام کرده است که‏ سلامتی آنها بستگی به اتحاد واقعی دارد باید مغولان بین بروند تا افغانان آزاد و سرفراز زندگی کنند.

مدتی بعد از این یکی از هماوردان بنام احمد شاه مؤسس سلسله درانی شعرای‏ متصوف را تشویق کرد و بعد از این شهزاده آزاد و بزرگ در حوالی قرن 18 زبان فارسی‏ بتدریج جای پشتو را در ادبیات نوشتی گرفت بطوریکه ترجمه‏های متعددی از پشتو بفارسی‏ درآمد و پشتو نیز ارگان ادبیات شفاهی و عمومی باقی ماند.

در سال 1886 جیمس دارمستتر James Darmesteter کتابی تحت‏ عنوان ترانه‏های ملی افغان از آثار صد شاعر افغانی جمع کرد و منتشر نمود.وی در مقدمه‏ این کتاب نوشته است که این شعرا چندان سوادی نداشته‏اند و همه در مکتب شاعران‏ شاعری آموخته‏اند.معمولا شعرای جوان و تازه کار در مدارسی یا مکاتبی که از طرف‏ شعرای بزرگ تشکیل میشده شرکت میکرده‏اند و بمرور زمان در کار شعر و شاعری توانا و استاد میشده‏اند.البته در زمان حاضر وضع بدانگونه نیست و در دورانی که دار مستتر بررسی میکرده چنان وضعی در کار بوده است و آن مکتب بطور قطع امروزه شکوفان‏ و مورد توجه نیست.

اشعاریکه این شعرا سروده‏اند به پنج قسمت تقسیم میشده:

1-اشعار تاریخی و حماسی که اکثر آنها از نظر مدح و قدح یکسان و بیک‏ شکل بوده‏اند.

2-اشعار مذهبی که برای تحریک احساسات مذهبی سروده میشده است. 3-اشعار اساطیری و افسانه‏ای که به شیوه داستانهای مذهبی سروده میشده است. 4-اشعار عاشقانه که ادبیات هندی در آن تأثیر بسزائی داشته است.

5-بالاخره اشعاری که آداب و عادات محلی را شامل بوده و همچنین اشعار هجائی‏ و تصنیفهائی راجع به بانوان و معما و چیستان و اشعار ضرب المثلی.